



پايان راه كهنه سياستمداران پاكستان

با بروز اولين اختلاف بين دو حزب مردم به رهبري " آصف علي زرداري " و حزب مسلم ليگ (شاخه نواز) به رهبري " نواز شريف " ماه عسل دولت ائتلافي پايان يافت و كار اين زوج به طلاق سياسي كشيده شد. اصولا از همان ابتدا نيز اين ائتلاف بيش از اينكه بوي گزينه اختيار برنامه ريزي شده بدهد بيشتر به همسري يك محلل جهت فرار از سه طلاقه شدن يار قبلي شبیه بود. ديكتاتوري نظامي " پرويز مشرف " رئيس جمهور پاكستان، سرکوب سيستماتيک احزاب سياسي، مشارکت يکجانبه با واشينگتن در جنگ با تروريسم، روياروئي با ديوان عالي کشور و برکناري قضات ارشد، دادگاه هاي فرمايشي و تهمت هاي فساد بر عليه سياستمداران مخالف و به تبع آن جلوگيري از فعاليت حزبي آنان، خشم همگاني را در اين کشور بر عليه ژنرال برانگيخته بود.

برکناري قاضي " افتخار محمد چودري " رئيس سابق ديوان عالي اين کشور و گروه بزرگي از قضات اين ديوان که مخالف تصميمات مشرف بودند، استقلال قوه قضائيه پاكستان را سلب کرده و جامعه قضات و حقوقدانان را نيز به خيل بي شمار مخالفين ديكتاتور افزود. انتخابات پارلماني ۱۸ فوریه سال ۲۰۰۷ در اين کشور در شرايطي برگزار گرديد که جامعه و افکار عمومي از نظام مستبد نظامي به مرز اشباع رسيده و همگان خواهان يك تحول اساسي در ساختار متصلب موجود بودند. بازگشت " بي نظير بوتو " رهبر فقيد حزب مردم و نواز شريف از تبعيد سياسي به ميهن خود آن

چنان با اهمیت بود که پایه های حکومت مشرف را سست نماید تا چه رسد به اینکه خون بی نظیر نیز به درفش این جنبش مخالف تبدیل شود. این وضعیت طومار ژنرال را در هم پیچید و اقبال عمومی به سمت احزاب مخالف، به یک باره فضای سیاسی پاکستان را متحول کرده و جای حاکم و محکوم را عوض کرد. ائتلافی که در چنین وضعیتی بین دو حزب مردم و شاخه نواز ایجاد شد ناشی از یک ضرورت عاجل و موج احساسات ضد دیکتاتوری بود، بدون اینکه برنامه مدونی برای ایجاد یک ساخت سیاسی پایدار و گذر از اختلافات کهنه و سنتی بین این دو حزب را پوشش دهد. توافقاتی که در شروع ائتلاف موجود نیز انجام گرفت آن چنان فوری تلقی می شد که هیچکدام از دو جناح سیاسی به عمق و چگونگی دستیابی به آن توجه درخوری نکرده بودند. هم اکنون بازگشت قضات برکنار شده به مسند قبلی خود که ابتدا قرار بود در ۳۰ آوریل انجام شود و بعد به ۱۲ مه وعده داده شد با عدم اجرایی شدن آن که مربوط به اختلاف نظر بین دو حزب در مورد چگونگی این روند پیش آمد، قهر سیاسی رهبران سیاسی این دو جناح و فروپاشی احتمالی ائتلاف موجود را موجب شده است. نواز شریف روز دوشنبه ۱۲ مه درست بعد از پایان تاریخ اعلام شده برای بازگشت قضات و عدم اجرایی آن، در نشست رهبران حزب مسلم لیگ رسماً خروج این حزب و کناره گیری وزرای آن از دولت ائتلافی را اعلام کرد. هر چند که وی افزوده است خروج وزاری حزب مسلم لیگ از دولت ائتلافی " یوسف رضا گیلانی " نخست وزیر هرگز به معنای پیوستن این حزب به اپوزیسیون نیست ولی حداقل نشاندهنده این مسئله است که مرز بین اتحاد و اختلاف در پاکستان تا به آن حد نزدیک است که پیش بینی ثبات سیاسی و جایگاه احزاب مهم این کشور در ساخت سیاسی و هژمونی بر نظام حاکم در این کشور را مشکل می کند.

خروج حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) از دولت ائتلافی گیلانی در آینده نزدیک می تواند وضعیت دگرگونه ای را ایجاد کرده و مسیر تحولات سیاسی پاکستان را دچار تغییرات اساسی کند. توجیه هر دو جناح در خصوص اختلافات موجود نشان می دهد که به موازات شکنندگی ائتلاف کنونی، ثبات سیاسی در این کشور نیز چندان پایدار نیست و خردورزی سیاستمداران در سطح مجادلات شخصی و تمایلات پشت پرده قدرت توسط هر کدام از آنان به حبس کشیده شده است. خروج نواز از دولت ائتلافی

چنانچه به گفته وي منجر به پيوستن به اپوزيسيون نشود در کوتاه مدت نمي تواند دولت گيلاني را با بن بست قدرت مواجه کند. اما نوع برخورد نواز و زرداري با موضوع ابقاي قضات ديوان عالي کشور نشان از زيرکي سياسي بيشتر نواز داشته و حمايت بيشتر افکار عمومي را به نفع حزب مسلم ليگ (شاخه نواز) براي آينده تحولات سياسي جلب خواهد کرد. از سوي ديگر چنانچه در گام هاي بعدي نواز شريف در کسوت اپوزيسيون به ميدان آيد براي حزب مردم دو راه بيشتر باقي نيست يکي اينکه همکاري حزب مسلم ليگ (شاخه قاعد اعظم) که حاميان اصلي پرويز مشرف مي باشند را به دست آورد و ديگر اينکه با انحلال پارلمان بواسطه عدم کسب اکثريت براي دوام دولت دست به انتخابات زودرس پارلماني بزند. در هر دوي اين وضعيت ها بازنده اصلي حزب مردم خواهد بود چرا که در سطح افکار عمومي به خيانت به ديمقراسي و سازش با ديکتاتور متهم شده و همچنين به جهت عدم قاطيقت در بازگرداندن قضات ديوان عالي که در جامعه پاکستان از اعتبار بالائي برخوردارند، حمايت بخش وسيعي از راي دهندگان را از دست خواهد داد. از زاويه ديگر نيز با عدم سازش بين حزب مردم و شاخه نواز در شرايط کنوني هر اتفاقي که به نفع نواز شريف در طي مراحل بعدي نيز بيافتد باز هم بواسطه عدم همگرائي با حزب مردم و حاميان مشرف به عنوان دو ضلع ديگر از سه ضلعي قدرت، تشکيل دولت توسط آنان محال و بسيار مشکل تلقي مي شود. در اين وضعيت بن بست گونه چنانچه مصالحه اي در آينده نزديک بين احزاب سياسي در پاکستان اتفاق نيافتد بار ديگر بايد در انتظار بي ثباتي و بروز چالش هاي غير قابل پيش بيني در اين کشور بود.

برگرفته از سايت فرهنگ توسعه

www.ayenda.org